مقاله ی برگزیده ی همایش جهانی فرهنگ و ادبیات عاشورا

(تهران. ۱۳۷۴ خورشیدی)





ادبیات عاشورا در دورهٔ حضور امامان (ع)

(۲۶۰-۶۱ هجری)

پژوهش و نگارش:

دکتر محمودرضا افتخارزاده

یادآوری!

نوشتار یا مقاله ی«ادبیات عاشورا در دوره ی حضور امامان(۶۱-۲۶۰ هجری)»در زمستان ۱۳۷۳خورشیدی به خواسته وخواهش برگزارکنندگان«همایش جهانی فرهنگ عاشورا. تهران ۱۳۷۴خورشیدی»که مصرانه از من مقاله ای می خواستند، نوشته شد و از نخستین نوشتارهای برگزیده آن همایش جهانی گردید و همزمان با برگزاری همایش،در بهار ۱۳۷۴خورشیدی در دفتر نخست همایش موسوم به «چشمه ی خورشید»به چاپ رسید. و زان پس در فضای مجازی نیز قرار گرفت.سوگمندانه در همان چاپ نخست ، اغلاط چاپی اندکی وجود داشت که همچنان در دیگر جایگاه ها تکرار می شد.پیدا بود که برگزارکنندگان همایش فرصت غلط گیری و مقابله با متن دستنویس را نداشته اند. تا که امروز (۱۳۹۵/۷/۲۵خورشیدی) برابر با(۱۴محرم۱۴۳۸مهشیدی) این نوشتار را با همان کیفیت ، در این جایگاه«http://www.imam-khomeini.ir/fa»یافتم و چون پروانه ی دریافت داشت، برگرفتم و آن را ویراستم .مایل بودم برخی واژگان و اصطلاحات کلامی را عوض کنم لیک این کار را روا ندانستم چراکه این نوشتار مربوط به بیست و دو سال پیش است و سزد که همان سبک و سیاق به امانت بماند.ازاین رو تنها به غلط گیری و ویرایش نگارشی بسنده کردم تا اصالت تاریخی نوشتار پایدار باشد . امید که مفید افتد!

محمودرضاافتخارزاده

تهران

۲۵مهرماه ۱۳۹۵ خورشیدی

www.iranologi.blogfa.com

www.fehresteasar.blogfa.com

IRANOLOGY11@GMAIL.COM

ادبیات عاشورا

(طرح کلی)

I

۱ - مباحث لغوی و فنی

تعاریف و اصطلاحات، موضوعات، زبان، ویژگی‌ها، فضا و روح حاکم بر ادبیّات، اصول مشترک، تکیه و تأکیدها، راز و رمزها، زبان‌شناسی، سبک‌شناسی، اصول ادبی حاکم بر ساختمان زیارات و...، واژگان ویژه، کلیشه‌های تاریخی.

۲ - شناسائی و طبقه‌بندی منابع

زیارات، مقاتل، مراثی، ادعیه، موضوع بندی روایات زیارات، موضوع بندی زیارات و ادعیه، شأن صدورها، قلمرو ادبیات عاشورا: زیدیه، اسماعیلیه و فرقه‌های شیعه، سنّیان (مذاهب اربعه).

۳ - نقد متون و منابع

نقد داخلی و خارجی اسناد، نقد راویان (سندشناسی و جرح و تعدیل راویان).

II

امام حسین(ع) از ولادت تا شهادت

۱ - فلسفهٔ تاریخ شیعه

قیام و شهادت امام(ع) یک قیام و شهادت عقیدتی احیاگر است.

۲ - کرونولوژی حوادث مهم و تعیین کننده از سال ۱۱ هجری تا ٦۱ هجری.

تحریری نو از فلسفهٔ شهادت، تصاویری نوین از شهادت سرور شهیدان(ع)، فهرست و شناسائی شهیدان، فهرست و شناسائی حرامیان.

III

تعالیم ادبیات عاشورا

۱ - تعالیم و اهداف

محورها: عقیدتی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی؛ (عناصر اصلی).

جهت گیری‌ها: زمان در گذشته و حال و آینده؛ (عناصر اصلی).

۲ - عاشورا پابپای دورهٔ حضور امامان(ع)

چگونگی گرامیداشت عاشورا، انشاء زیارات، سرنوشت مشهد امام حسین(ع) در طول دورهٔ حضور، کرونولوژی تحریفات عاشورا توسط فرقه‌ها و...

IIII

کلّ شهر محرّم و کل ارض کربلا و کل یوم عاشورا

حسین(ع) باز شهید!

۱ - تبرئه «حقیقت» از زندان اتّهام «واقعیّت»، (تحلیل کلامی).

۲ - دگردیسی اسلام محمّد(ص) از سوی خلافت و سلطنت، (تحلیل تاریخی).



آنچه ملاحظه شد ارائه ی پیش نویس ساده و صادقانه ی طرحی است از کاری بس عظیم و بسیار ضروری و مهم که از سال ها پیش ذهن مرا بخود مشغول داشته و دارد و به همین منظور، در فرصت

هایی یادداشت هایی فراهم آمده که توفیق تدوین آکادمیک و تألیف آنها آرزو است، بنابراین مطالبی که از نظر خواهد گذشت، چیزی جز تورّق تند برخی یادداشت ها نیست.



۱– ادبیات عاشورا؛ تعاریف، اصطلاحات، قلمرو

ادبیات؛ ادب در زبان عربی به معنای دعاست و مفهوم تربیتی و آموزشی دارد[۱] و شامل حوزه‌ای گسترده از دانش های گوناگون بهم پیوسته می‌باشد. در زبان پارسی این دانش ها را ادبیات گویند. [۲]

عاشورا؛ واژه‌ای سامی است[۳] که از زبان آرامی به زبان عربی راه یافته[۴] و پیشینه ی تاریخی آن در فرهنگ سامی به ادیان ابراهیمی می‌رسد. عاشورا از آغاز «وضع» واژه‌ای بس مقدس و محترم‌بوده و در «تورات» دهمین روز از ماه تشرین اول است؛ روزی که بنی‌اسرائیل به کفاره گناه گوساله پرستی، آن روز را روزه گیرند.[۵] در اسلام دهم ماه محرم را که امام حسین بن علی(ع) به شهادت رسید، «عاشورا» گویند.

ادبیات عاشورا: از آنجا که فرهنگ عقیدتی-سیاسی تشیع با عاشورا و از عاشورا آغاز شده و در دوره ی حضور امامان(ع) توسط آن حضرات انشاء و املا و توسط اصحاب تدوین و تألیف گردیده و در ادامه همان عصر و نسل از سوی پیروان امامان خصوصاً و از سوی سایر مسلمانان عموماً در همان راستا مطالبی به نثر و نظم ابراز و ایراد می شده، بنابراین منظور از ادبیات عاشورا بطور اخصّ کلیه زیارات و ادعیه و روایات مربوط به آنهاست و بطور اعم کلیه ی مراثی و مقاتل و مباحث مربوط به عاشورا می‌باشد.

در همین جا توجه و تأکید بر این مهم، ضروری است که ادبیات عاشورا (زیارات و ادعیه) پشتوانه ی عقیدتی- فلسفی- کلامی تشیع امامیه در طول تاریخ و در همه ی شرایط و اوضاع روزگار می‌باشد، بنابراین توجه و پرداختن به آنها یک ضرورت حیاتی و سرنوشت ساز است.

این واقعیت بدیهی است که ادبیات کلامی- سیاسی شیعه ی امامیه ی دوره ی حضور، ادبیات رادیکال بوده است و به همین دلیل بخش بزرگی از این میراث های عقیدتی در طول دوره ی بسیار بحرانی عصر حضور دستخوش حوادث شده و از میان رفته و بخش دیگری از ادبیات عاشورا در مقطع انتقال به عصر غیبت، توسط خط اعتدال بایگانی و از رده خارج گردیده و به دلایلی محو شده

است، و آنچه از گزند حوادث مصون مانده و به دوره ی غیبت راه یافته، در قرون چهارم و پنجم هجری تدوین و تألیف شده و به صورت مجموعه‌های روایی، زیارتی، مقاتل و ادعیه در آمده است. تصفیه این منابع و استخراج ادبیات اصیل عاشورا، رسالتی بس بزرگ و کاری عظیم است که ضرورت آن امروز بیش از پیش احساس می‌شود.

زبان، سبک، ویژگی ها و روح حاکم بر ادبیات عاشورا

ادبیات عاشورا در حوزه ی عام جهانی اصولاً و عموماً ادبیاتی است تعلیمی، تبلیغی، ارشادی-انسانی که رسالتش آموزش حق و حقیقت، حق جویی و حق گویی، ستم ستیزی و ستم سوزی و ارشاد به اصول آزادی و عدالت و جهت آن افشای سه جریان زورمند و زرمند و تزویرمند حاکم بر تاریخ انسان، و موضوع آن مسائل عقیدتی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی و هدف غایی آن رستگاری انسان در دنیا و آخرت است. بخشی از ادبیات عاشورا (ادعیه) که عالی ترین مضامین اخلاقی و تربیتی را دربردارد، در حوزۀ داخلی و در رابطه با فرد نوعی ادبیات اعترافی نیز هست که هدفش احیاء فرد و بازسازی شخصیت انسانی او و قرار دادن وی در مدار تکامل است. در این بخش، با ادبیاتی انفسی- اعترافی روبرو می‌شویم که ناشی از آگاهی، شناخت و شعور فرد است (نک: دعای مکارم‌الاخلاق و مناجات خمس‌عشر).

سبک یا روش گویش و انشاء ادبیات عاشورا سبک والای عقیدتی تعلیمی- تبلیغی است که جملات آن کاملاً متناوب و متصل می‌باشند. نثر ادبیات عاشورا، عموماً نثر تعلیمی است و از یکسانی همانندی در سبک و سیاق و ریتم برخوردار است و طبیعت آن مقید به رعایت صناعات لفظی خاصی نیست اما برخی مضامین عالیه آن با نثری کاملاً بدیع و بلیغ و آراسته به صناعات لفظی، وزن، قافیه و سجع است (نک: زیارت جامعۀ ائمةالمؤمنین و دعای عالیةالمضامین).

در ادبیات عاشورا به ریتم توجه خاصی شده زیرا هدف انتقال حالات عاطفی و روحی و القای مضامین عالیه بوده است. بنابراین ریتم ادبیات عاشورا ریتم تندی است که از وقار خاصی برخوردار است و حاصلش بیقراری و سبکبالی می‌باشد؛ نمونه:

«السلام علیک یا ثارالله و ابن ثاره و الوتر الموتور، السلام علیک و علی الارواح التی حلّت بفنائک، علیکم منی جمیعاً سلام الله ابداً ما بقیت و بقی اللیل و النهار... لقد عظمت الرزیة و جلت و عظمت المصیبة بک علینا و علی جمیع اهل الاسلام... فلعن الله امة اسست اساس الظلم و الجور علیکم اهل البیت و... اشهدانک طهر طاهر مطهر، من طهر طاهر مطهر طهرت و طهرت ارض انت بها...»

در ادبیات عاشورا نگاه و زاویه دید به گونه‌ای است که روزنه‌ای به حقیقت و واقعیت تاریخی - زمانی حادثه پیش روی می‌گشاید؛ نمونه:

«لعن الله من رماک، لعن الله من طعنک، لعن الله من احتزّ رأسک لعن الله من حمل رأسک، لعن الله من نکت بقضیبه بین ثنایاک و... السلام علی الشیب الخضیب، السلام علی الخدّا التّریب، السلام علی البدن السّلیب، السلام علی الرأس المرفوع، السلام علی الاجسام العاریه فی الفلوات...»

این بدیهی است که هر اثر ادبی باید از عدالت ادبی برخوردار باشد، در ادبیات عاشورا، عدالت ادبی بگونه‌ای است که اوصاف مثبت و منفی مطابق با واقعیت تاریخی- زمانی است یعنی شهیدان و شاهدان بگونه‌ای توصیف شده‌اند که بوده‌اند و دژخیمان و حرامیان اوصاف شایسته خویش را دارند. و دقیقاً به همین دلیل در ادبیات عاشورا مبالغه، اغراق و غلو در صفت و موصوف وجود ندارد.

حماسه عاشورا قلمرو جهانی- تاریخی دارد و حماسه ی انسانی است و نه پهلوانی و المپیائی واودیسه‌ای، ترسیم حوادث و تصاویر آن منطبق با واقع است، پس زبان حماسه کاملاً رئالیستی است.

حماسه عاشورا، تراژدی به معنای ارسطویی کلمه نیست بلکه اگر نقطه اوج آن را تراژدی تلقی کنیم یک تراژدی صرفاً انسانی است که تأثیر عقیدتی- سیاسی تاریخی مثبت بر جای هشته و می‌نهد.

ادبیات عاشورا غمنامه نیست چرا که عاشورا فاجعه از نوع تراژدی که با مرگ قهرمان تحقق می‌یابد نیست بلکه تجدید حیات حق و حقیقت و تضمین جاودانه و جهانی آن است.

در ادبیات عاشورا شکوائیه به صورت نقد عقیدتی، سیاسی- اجتماعی و نکوهش انسانی و اعتراض تاریخی علیه وضع موجود هر عصر و نسل تجلی کرده است. نمونه:

«لعن الله امة دفعتکم عن مقامکم و ازالتکم عن مراتبکم التی رتبکم الله فیها و لعن الله امة قتلتکم و لعن الله الممهدین لهم بالتمکین من قتالکم، برئت الی الله و الیکم منهم و اشیاعهم و اتباعهم و اولیائهم... انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم الی یوم القیامة... و بالبرائه ممن اسست اساس ذلک و بنی علیه بنیانه و جری فی ظلمه و جوره علیکم و علی اشیاعکم... اللهم العن کل غاصب و ظالم...»

مراثی عاشورا در عین حال که دربردارنده ی تألمات روحی و احساسی و عقیدتی شیعه است در عین حال فریاد اعتراضی است علیه جور و جهل موجود هر عصر و نسل در طول تاریخ.

در ادبیات عاشورا تداعی معانی فراوانی است؛ تداعی فلسفی، کلامی، تاریخی، سیاسی؛ تداعی تاریخی غصب، تداعی تاریخی استبداد، تداعی تاریخی تزویر. در ادبیات عاشورا اصولاً از سمبولیسم و شیوه‌های ادبی آن اثری نیست ولی نمادهای تاریخی جریان غصب و خیانت بصورت سمبلیک بیان شده تا علاوه بر مصداق مشخص زمانی- عینی، رهنمود و مفهوم سیاسی- تاریخی عام خود را حفظ کرده باشد. نمونه:

«اللهم خصّ انت اول ظالم باللعن منی و ابدأ به اولاً ثم الثانی و الثالث و الرابع و... و...»

در ادبیات عاشورا شیوه بیان حدیث نفس است که گاه به صورت اول شخص مفرد و گاه بصورت اول شخص جمع ظاهر می‌شود. در ادبیات عاشورا تکرار به معنای تأکید بسیار است و از حُسنِ تعبیر ویژه‌ای برخوردار است. آن گونه که حُسنِ تناسب در روایت حادثه مشهود می‌باشد یعنی گزارش حادثه بر اساس حقیقت تاریخی است و شیوه روایت ادبیات عاشورا مراسله‌ای است یعنی از مصدر خاصی به مخاطب یا مخاطبان انشاء شده است.

ویژگی منحصر بفرد ادبیات عاشورا خلوص است یعنی یکرنگی و بی‌غل و غشی گزارش حادثه و آموزش و تبلیغ تعالیم و مفاهیم و پیام های تاریخی آن که از خلوص مطلق برخوردار می‌باشد و به همین دلیل ادبیاتی درون حسی است که فرد خود را با آنچه می‌خواند همدرد و همزمان احساس می‌کند.

ویژگی دیگر ادبیات عاشورا، پویایی و کارایی تاریخی آن است، یعنی با وجود گذشت زمان و دسترسی عوام، عوام‌زده، کهنه، بی‌خاصیت و حالت و روح نشده و همچنان اصالت، عظمت، اهمیت، معنویت، قداست و حقیقت خود را حفظ کرده و بکر و تازه است.

جوهره، فکر اصلی، مضمون و روح مسلط بر ادبیات عاشورا، آگاهی‌بخشی، ایمان، آزادگی، آزادی، قسط انسانی و عدالت اجتماعی است.

واژگان ویژه، راز و رمزها و کلیشه‌های تاریخی ادبیات عاشورا

تاریخ اسلام امامت مشخصاً به دو دوران کلی تقسیم می‌شود؛ دوره ی حضور پیامبر و امامان و دوره ی غیبت. دوره ی حضور عموماً عصر عقیدتی است و دوره ی تکوین و تبیین و تعلیم عقاید اسلامی. در این دوره ی مشخص با وجود غلبه ی پان‌عربیسم اموی- عباسی و عوارض دردناک آن، زبان عربی یک زبان ایدئولوژیک بوده و نه یک زبان قومی و نژادی، بنابراین از هر گونه پیرایه‌های قومی- نژادی پان‌عربیستی بدور می‌باشد. این حقیقت در روح حاکم بر ادبیات عاشورا نمودار است، بگونه‌ای که خواننده تنها احساسی که می‌کند یک احساس عقیدتی- انسانی است. گویی زبان، زبان روح و روان مشترک انسانی است و نه زبان عربی. این حقیقت در متون عالیه ادبیات عاشورا (زیارات و ادعیه امام سجاد) قابل لمس و حس است آن گونه که امامان معصوم(ع) تعلق قومی و نژادی ندارند و مظاهر عالی انسانی جلوه می‌کنند.

ادبیات عاشورا از واژگان ویژه‌ای برخوردار است که هر کدام وضع ابتدائی، تعیینی- تَعیّنی و مفاد و مفهوم و دلالت خاص خود را دارند و بدون پیشینه کاربرد می‌باشند؛ نمونه:

«ثار، ثائر، ثارالله، وابن ثاره، وابن ثائره، وتر، الموتور، وارث، الشهید، القتیل، قتیل الله، وتر الله، التراث، الشاهد، المشهود، المستشهد، کلمة التقوی، باب الهدی، العروةالوثقی، الحجة، البارالتقی، المظلوم المهتضم، و...»

در ادبیات عاشورا به دلیل شرایط سیاسی حاکم بر دوره ی حضور و با توجه به استراتژی امامان و رعایت تاکتیک تقیه در اشاره به رژیم سیاسی خلافت و خلیفه، از رمزهای خاص و ساده‌ای‌استفاده شده است: الاول، الثانی، الثالث، الرابع، ولد س ا ب ع = عباس. (نک: کامل الزیارات، ۱۹۸. باب ۷۹).

کلیشه‌های تاریخی ادبیات عاشورا شامل مضامین و مفاهیم زمان شمول و تاریخی می‌باشند؛ نمونه:

«قتل الله من قتلک بالایدی و الالسن، لعن الله من قتلک و من اشرک فی دمک و من بلغه ذلک فرضی به، اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له علی ذلک. اللهم العن کل ظالم و غاصب. اشهد انک امرت بالقسط و دعوت الیه و انک ثار الله فی ارضه حتی یستثیر لک من جمیع خلقه، و انک ثار الله فی الارض من الدم الذی لایدرک ثاره من الارض الا باولیائک. اللهم العن الجبت و الطاغوت و العن اشیاعهم و اتباعهم، اللهم اجعل ما اقول بلسانی حقیقة فی قلبی و شریعته فی عملی، اللهم توفنی مسلماً و اجعل لی قدماً مع الباقین الوارثین الذین یرثون الارض من عبادک الصالحین، اللهم حبب الی مشاهدهم و شهادتهم حتی تلحقنی بهم. اشهدانک قد بلغت... و مضیت للذی کنت علیه شهیداً و مستشهداً و شاهداً و شهوداً. فزتم و الله، فلیت انی معکم فافوز فوزاً عظیماً، اللهم العن جوابیت هذه الامة و العن طواغیتها و العن فراعنتها، اشهد ان الجهاد معک جهاد

و انّ الحق معک و الیک، اشهدانکم قد بلغتم و نصحتم و صبرتم و قتلتم و غصبتم و اسئ الیکم فصبرتم، لعنت امة قتلتکم و امة خالفتکم و امة جحدت و لایتکم و امة ظاهرت علیکم، و امة شهدت و لم تستشهد. (نک: کامل الزیارات ۱۹۳-۲۰۰)

۲- ادبیات عاشورا؛ شناسائی و طبقه‌بندی منابع

الف: زیارت

قرن اول و دوم هجری؛ نمونه:

۱- عبدالعزیز بن یحیی الجلودی / کتاب المناسک[٦] [والزیارات].

۲- حمزة بن ابی القاسم / کتاب الزیارات و المناسک.[۷]

۳- عبدالله بن عبدالرحمن المستقمی / کتاب المزار[۸].

٤- عبیدالله بن احمدبن نهیک / کتاب المناسک [و الزیارات][۹].

۵- علی بن مهزیار اهوازی / کتاب المزار[۱۰].

٦- حسین بن سعید بن حماد اهوازی / کتاب المزار.[۱۱]

۷- ابوالفضل شیبانی / مزار ابی عبداللهالحسین(ع)[۱۲].

قرن سوم هجری؛ نمونه:

۱- علی بن اسباط / کتاب المزار.[۱۳]

۲- سعدبن عبدالله اشعری / کتاب المزار.[۱٤]

۳- محمدبن رهبان / کتاب المزار.[۱۵]

٤- محمدبن حسن صفار / کتاب المزار.[۱٦]

۵- محمدبن احمدبن یحیی اشعری / کتاب المزار.[۱۷]

٦- محمدبن اورمه / کتاب المزار.[١٨]

٧- محمدبن عباس بنی عیسی / کتاب زیارة ابی عبدالله(ع)[١٩]

٨- حسین علی الخراز قمی / کتاب الزیارات.[٢٠]

٩- داود الرقی / المزار.[٢١]

میراث های قرون اولیه راه یافته به قرن چهارم و پنجم هجری؛ نمونه:

١- ابن قولویه / کتاب الزیارات*[=کامل الزیارة][٢٢]

٢- محمدبن احمد بن ابی داود / کتاب المزار.[٢٣]

٣- محمدبن علی بن فضل / کتاب الزیارات.[٢٤]

٤- محمدبن علی بابویه قمی / کتاب الزیارات.*[٢٥]

٥- محمدبن عبدالله بهلول / کتاب مزار الحسین(ع)[٢٦]

٦- محمدبن نعمان المفید / کتاب المزار*.[٢٧]

٧- محمدبن مسعود عیاشی / کتاب المزار.[٢٨]

٨- محمدبن علی کراجکی / کتاب المزار.[٢٩]

٩- احمدبن محمد القمی / کتاب الزیارات.[٣٠]

١٠- موسی بن بابویه قمی / کتاب المدینة و زیارات النبی و الائمه.[٣١]

١١- حسن‌بن احمد زیرویه قمی / کتاب المزار.[٣٢]

١٢- حسین بن عبیدالله / کتاب المزار.[٣٣]

١٣- عبیدالله بن ابی زید انباری / کتاب المزار.[٣٤]

۱٤ - محمد بن الحسن طوسی / کتاب المزار.*[۳۵]

۱۵ - عبدالله بن محمد الغاضری / مزار ابی عبدالله الحسین(ع). [۳٦]

۱٦ - محمدبن ابی قرة غیثائی / کتاب المزار.[۳۷]

همانطورکه اشاره شد بسیاری از این مصادر از گزند حوادث دوره ی حضور و مقطع انتقال به عصر غیبت مصون نمانده و آنچه به دوره ی غیبت راه یافته و دچار حادثه نگشته می‌تواند در مجموعه‌های زیارتی خطی و چاپی موجود یافت شود از جمله: «کامل الزیاره» ی ابن قولویه، مزار مفید مندرج در «مقنعه»، مزار طوسی مندرج در «تهذیب‌الاحکام»(ج ٦)،مصباح طوسی، مزار شهید، مزار ابن مشهدی، اقبال ابن طاووس، مصباح المتهجد، مصباح کفعمی، ثواب الاعمال، و مزار مجلسی (بحار الانوار جلدهای ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲).

درکتابخانه ی مرحوم آیةالله نجفی مرعشی این مجموعه ی خطی زیارتی موجود است:

مزار خطی شماره ۲٤۵، مزار مشهدی خطی٤۹۰۳، مزار خطی ۳٦۵، مزار خطی ۱۲۹، مزار خطی ۳۳۳۱، مزار قدیم ٤٦۲، مزار خطی ۲٤۵، مزار خطی ٤۰٦۲، مزار خطی ٤۵٤۲، زاد السالک ۸۲، ۱٤۳۰، ٦۸۳۵، زاد الروح ۷۹۵۱، زاد المؤمنین ٦۷۱۱، مصباح المؤمنین ۷۵۳۲.

ب : ادعیه

قرن اول و دوم هجری؛ نمونه:

۱ - الامام علی بن الحسین السجاد(ع) / الصحیفة السجادیة. *[۳۸]

۲ - معاویة بن عمار الدُهنی / کتابُ الدعاء.[۳۹]

۳ - عبدالعزیز الجلودی / کتابُ الدعاء.[٤۰]

٤ - ابو حمزه ثمالی / الدعاء عن الامام زین العابدین(ع) [٤۱]

۵ - یحیی بن علی الرقّی / الدعاء. [٤۲]

قرن سوم هجری:

۱ - علی بن مهزیار اهوازی / کتابُ الدعاء.[٤٣]

۲ - علی بن حسن فضال / کتابُ الدعاء.[٤٤]

۳ - محمد بن عباس / کتابُ الدعاء.[٤٥]

٤ - محمد بن حسن صفار / کتابُ الدعاء.[٤٦]

٥ - محمد بن احمد الصابونی / کتابُ الادعیه.[٤٧]

٦ - محمد بن رهبان / کتابُ الدعاء.[٤٨]

۷ - هارون بن مسلم / کتابُ الدعاء.[٤٩]

8- جابر بن حیان / کتابُ الدعاء.[٥٠]

۹ - علی بن حسن طائی / کتابُ الدعاء.[٥١]

۱۰ - ابو طاهر رازی / کتابُ الدعاء.[٥٢]

۱۱ - محمد بن هارون / کتابُ الدعاء.[٥٣]

۱۲ - ابویعقوب فقیه / کتابُ الدعاء.[٥۴]

۱۳ - السراجی / کتابُ الدعواتِ المأثوره.[٥٥]

قرن چهارم و پنجم هجری:

۱ - حمید بن زیاد / کتاب الدعاء.[٥۶]

۲ - سعد بن عبدالله اشعری / کتاب الدعاء.[٥۷]

۳ - محمد بن مسعود عیاشی / کتاب الدعاء.[٥۸]

٤ - محمد بن عبدالله بهلول / کتاب الدعاء.[٥۹]

۵ - ابراهیم بن سلیمان / کتاب الدعاء.[٦٠]

٦ - احمد بن محمدبن حسین قمی / کتاب الدعاء.[٦١]

۷ - احمد بن عبدالعزیز / کتاب الدعاء.[٦٢]

۸ - محمد بن عباس / کتاب الدعاء.[٦٣]

۹ - محمد بن الحسین / کتاب الدعاء.[٦٤]

۱۰ - محمد بن یعقوب کلینی / کتاب الدعاء.[٦٥]

۱۱ - محمد بن عمران / کتاب الدعاء.[٦٦]

۱۲ - ابراهیم العلوی / ادعیه الامام زین العابدین(ع).[٦٧]

مصادر ادعیه شیعه ی امامیه نیز همان سرنوشت زیارات و دیگر کتب را داشته و طبعاً دچار حادثه گردیده است، ولی خوشبختانه نورانی‌ترین بخش ادعیه ی شیعه یعنی صحیفه ی شریفه ی سجادیه که بحق پشتوانه معنوی نیرومند شیعه در طول تاریخ بوده و می‌باشد از گزند حوادث مصون مانده و در دسترس است و معرّف روح و فرهنگ دعای شیعی می‌باشد بخش دیگری از ادعیه در کتب دعای شیعه گردآوری شده از جمله در: امالی صدوق، امالی مفید، امالی طوسی، مصباح الشریعة، معانی الاخبار، تهذیب، استبصار، مصباح کفعمی، اقبال الاعمال، مصباح الزائر، ثواب الاعمال، مکارم الاخلاق، بلدالامین، مهج الدعوات و... و گزیده‌ای از مصادر دعای شیعه در کتاب الدعاء مرحوم مجلسی: بحارالانوار جلدهای ۹۳، ٩٤، ۹۵ تدوین و تألیف گردیده است.

ج: مقاتل

قرن اول و دوم هجری؛ نمونه:

۱ـ اصبغ بن نباته / مقتلُ الحسین.[٦٨]

۲ـ جابر جعفی / مقتلُ الحسین.[٦٩]

۳ـ سلمة بن خطاب / کتاب مولد الحسین و مقتله.[٧٠]

٤ـ عبدالعزيز جلودی / مقتلُ الحسین.[٧١]

٥ـ هشام بن محمد / مقتلُ الحسین.[٧٢]

٦ـ محمد بن ابراهیم / کتابُ المقتل.[٧٣]

٧ـ عوام بن حوشب / کتابُ مقتل الحسین بن علی.[٧٤]

٨ـ لوط بن یحیی اَزدی / کتابُ مقتل الحسین.[٧٥]

٩ـ ابواسحاق نهاوندی / کتابُ مقتل الحسین بن علی.[٧٦]

قرن سوم هجری:

١ـ محمد بن علی بن فضل / کتاب مقتل الحسین.[٧٧]

٢ـ نصر بن مزاحم / کتاب مقتل الحسین.[٧٨]

٣ـ محمد بن زکریا / مقتل الحسین.[٧٩]

٤ـ ابراهیم ثقفی / مقتل الحسین.[٨٠]

٥ـ محمد بن عبدالله / المقتل.[٨١]

٦ـ محمد العلابی / مقتل الحسین.[٨٢]

٧ـ محمد بن علی بن حمزه / مقاتل الطالبیین.[٨٣]

٨ـ محمد بن احمد اشعری / مقتل الحسین.[٨٤]

قرن چهارم و پنجم هجری:

١ـ محمد بن علی بابویه / کتاب مقتل الحسین.[٨٥]

٢ـ محمد بن حسن الطوسی / کتاب مقتل الحسین.[٨٦]

۳ـ ابوالحسن الشافعی / المقتل.[۸۷]

٤ـ محمد بن علی فضال / مقتل الحسین.[۸۸]

د: مراثی

قرن اول و دوم هجری؛ نمونه:

۱ـ خالدبن همدان. سال ٦۱ هجری (وقتی سر امام حسین(ع) را در شام آویخته دید، مرثیه‌ای سرود) / له مرثیة.[۸۹]

۲ـ عقبة بن عمیق سهمی / له مرثیة. [۹۰] گویا نخستین مرثیه را بر مزار امام حسین(ع) او سروده است :
مررت علی قبر الحسین بکربلا ففاض علیه من دموعی غریزها.

۳ـ ابوالاسود دئلی (٦۹هـ) / له دیوان فی المراثی.[۹۱]

٤ـ زینب بنت فاطمه و علی(ع) / لها قصائد و مراثی.[۹۲]

۵ـ عمیر بن مالک خزاعی (م ۱۰۰ هـ) / له مرثیة.[۹۳]

٦ـ کثیربن عبدالرحمن (کثیر عزة) (م ۱۰۵ هـ) / له مراثی.[۹٤]

۷ـ فرزدق بن غالب ابوفراس / له دیوان فی المراثی.[۹۵]

۸ـ سلیمان بن قته خزاعی (م ۱۲٦ هـ) / له مراثی.[۹٦]

۹ـ جعفربن عفان طائی (م ۱۵۰ هـ) / له مراثی.[۹۷]

۱۰ـ منصور بن سلمة نمری (مقتول توسط هارون ۱۹۰ هـ) / له مراثی.[۹۸]

۱۱ـ کمیت بن زید / له مراثی. [۹۹]

۱۲ـ حبیب بن اوس طائی / کتاب الحماسه.[۱۰۰]

۱۳ـ ابن حمادبن عمربن کلیب / مراثی الحسین.[۱۰۱]

۱٤ـ ابن اعرابی محمد بن زیاد / مراثی الحسین.[۱۰۲]

۱٥ـ اسماعیل الحمیری / له دیوان فی المراثی.[۱۰۳]

قرن سوم و چهارم هجری؛ نمونه:

۱ـ عبدالله بن عمار برقی (مقتول ۲٤٥ هـ. زبانش را بریدند و دیوانش را سوختند) / له مراثی.[۱۰٤]

۲ـ دعبل بن علی خزاعی (م ۲٤٦ هـ) / له مراثی.[۱۰٥]

۳ـ محمود بن حسین کشاجم (م ۲٥۰ هـ) / له دیوان فی المراثی.[۱۰٦]

٤ـ سری الرفاء (م ۳٦٦ هـ) / له دیوان فی المراثی.[۱۰۷]

٥ـ علی بن وصیف (م ۳٦٦ هـ) / له مراثی.[۱۰۸]

٦ـ محمد بن عبدالعزیز السوسی (م ۳۷۰ هـ) / له مراثی.[۱۰۹]

۷ـ ابوالحسن علی بن احمد الجوهری (م ۳۸۰ هـ) / له مراثی.[۱۱۰]

۸ـ صاحب بن عباد (م ۳۸٥ هـ) / له مراثی.[۱۱۱]

۹ـ طلحة بن عبدالله ابی عون (م ۳۹۰ هـ) / له مراثی.[۱۱۲]

۱۰ـ علی بن الحسین الدوادی / له قصیدة طویله.[۱۱۳]

۱۱ـ احمد بن الحسین همدانی (مسموم ۳۹۸ هـ) / له مراثی.[۱۱٤]

۱۲ـ احمد بن منصور قطیعی (م ٤۸۰ هـ) / له مراثی.[۱۱٥]

۱۳ـ شریف مرتضی / له مراثی.[۱۱٦]

۱٤ـ شریف رضی / له مراثی.[۱۱۷]

۱٥ـ ابوالعلا معرّی / له مرثیة.[۱۱۸]

۱٦ـ عبدالسلام بن رغبان (دیک الجن) / له مراثی. [۱۱۹]

هــ : قلمرو ادبیات عاشورا در منابع مذاهب و فرقه‌ها

۱ـ زیدیه؛ نمونه:

۱ـ ابو الفرج علی بن الحسین الاصفهانی / مقاتلُ الطالبیین[۱۲۰]

۲ـ ابو جعفر محمدبن عیسی / الدعاء المأثور عند اهل البیت. [۱۲۱]

۳ـ عبدالرحمن بن عبیدالله / ادعیه النجاح. [۱۲۲]

٤ـ عبدالله بن حمزة الحسنی / الزیارات.[۱۲۳]

۲ـ اسماعیلیه؛ نمونه:

۱ـ نعمان بن محمد بن منصور / کتاب الدعاء. [۱۲٤] (؟)

۳ـ فرقه ی نُصَیریه؛ نمونه:

۱ـ الهفتُ الشریف. [۱۲۵]

٤ـ مذاهب اربعه ی سنّیان، نمونه:

۱ـ محمدبن ادریس شافعی / له مراثی[۱۲٦]

۲ـ معمر بن مُثنّی / له مراثی و مقتلُ الحسین. [۱۲۷]

۳ـ ابن واضح یعقوبی / مقتلُ ابی عبدالله الحسین.[۱۲۸]

٤ـ سمارة الحیوانی / مقتلُ الحسین. [۱۲۹]

۵ـ واقدی / مقتلُ الحسین. [۱۳۰]

٦ـ موفق بن احمد مکی خوارزمی / مقتلُ الحسین.[131]

۳ــ ادبیات عاشورا ؛ روایات زیارات

در نگاه قرآنی، امامان معصوم اسلام مصداق عینی: «و جعلنا منهم ائمّة یهدون بامرنا»[132] هستند. اصل عصمت[133] در آن حضرات، مشعل فروزان هدایت‌شان را جاودانه ساخته، چه آنان خود را «معالم الطریق»[134] (نشانه‌های پر فروغ راه هدایت انسان) معرفی کرده‌اند: از این رو آنان اسوه‌های جاودانه کمال انسانی می‌باشند که در حیات و ممات الهام بخش و قابل پیروی هستند. از دیگر طرف به تصریح امامان و بنا به اعتراف و گواهی تاریخ، کلیه راهبران معصوم عقیدتی اسلام امامت توسط دشمن سه چهره تاریخی قاسطین، ناکثین، مارقین در قالب خلافت غصب و رژیمهای جور و جهل زمانشان به شمشیر یا به سم شهید شده‌اند. در فرهنگ تشیع امامیه که از دل این شهادت ها برخاسته و شکل گرفته، زیارت یک فریضه است چرا که در تلقی کلامی شیعه، مزور یک اسوه جامع و مانع عقیدتی ـ انسانی در حیات و ممات است و زائر نیازمند آموزش و الهام و کسب فیض، و مزار نشانه و نماد عقیدتی ـ فرهنگی اسلام و کانون معنوی عهد و پیمان با ارزش های عالی انسانی و گرفتن الهام است. و از همین رو دشمن در همیشه ی تاریخ می‌کوشیده و می‌کوشد تا این حقیقت را لوث و بی‌اعتبار و آلوده سازد. و از آنجا که دوره ی حضور امامان، عصر حقیقت و حرمت و همت و حسرت ایدئولوژیک و دوره ی آموزش عقیدتی بوده توجه به این مهم بخشی از آموزش های امامان را تشکیل می‌داده است. کاملاً بدیهی است که عاشورا به عنوان خاستگاه اصلی و پایگاه اساسی فرهنگ عقیدتی شیعه همیشه مرکزیت داشته و مورد توجه خاص امامان(ع) بوده است، از این رو روایات مرویه از آن حضرات، به سه دسته و موضوع کلی تقسیم می‌شود:

۱ـ روایات تأکیدی، تشویقی ـ ترغیبی زائر.

۲ـ روایات تعلیمی ـ ارشادی زائر.

۳ـ روایات ترویجی ـ تعمیمی عاشورا.

روایات دسته ی نخست، زیارات امام حسین(ع) را یک فریضه می‌دانند و زائر را به لحاظ روحی و روانی بسیار مصمم و شیفته می‌سازند. این بخش از روایات بطور اصولی و منطقی زائر را به زیارت امام(ع) تشویق و ترغیب می‌نمایند و در مجموع به فلسفه ی قیام امام و روح و جهت و هدف زیارت اشاره دارند و در ضمن نشان‌دهنده وضعیت شیعه ی امامیه دوره ی حضور و رنج و شکنج شیعیان واستبداد سیاسی خلافت می‌باشند و به معرفی اصحاب و تیپ‌های گوناگونی که پیرامون امامان

بوده‌اند می‌پردازند. در این روایات تأکید می‌شود که در سخت ترین شرایط، زیارت امام حسین(ع) نباید ترک شود، و نیز نشان می‌دهد که هر چه دایرهٔ محاصره از سوی دشمن تنگ تر می‌شده، امامان بیشتر به ترغیب و تشویق شیعیان می‌پرداخته‌اند و تأکید بسیاری بر زیارت امام حسین(ع) داشته‌اند. در این بخش از روایات تأکید شده که هر اندازه که شرایط هولناک و مشهد امام حسین(ع) در محاصره و جاسوسان خلافت در کمین باشند، زیارت امام حسین(ع) سالی یک مرتبه واجب است. تأکید فوق‌العاده بسیار امامان(ع) بر زیارت امام حسین(ع) مبین این واقعیت است که برای رژیم های خلافت، یاد و نام امام حسین(ع) بسیار خطرناک و مرگبار بوده است و به همین دلیل دستگاه تبلیغاتی دشمن زیارت امام حسین(ع) را بدعت و ضلالت معرفی می‌کرده است.[۱۳۵] و نیز پیداست که زائران بسیاری در راه زیارت، شهید می‌شده‌اند و امامان به این واقعیت واقف بوده‌اند. روایات تعلیمی زائر؛ در این بخش از روایات بر صحت عقیدتی، سلامت اخلاقی و معرفت و اخلاص زائر تأکید بسیار شده است و چنین می‌آموزد که زائر باید مزور را به درستی بشناسد و لیاقت و شایستگی لازم را برای زیارت داشته باشد و بطور نسبی در ایمان و عمل با مزور هماهنگ باشد. در این روایات به زائر آموزش داده می‌شود که از چهار چوب حرکت تشکیلاتی شیعه ی امامیه و استراتژی امامان نباید تخطی کند و از هر گونه تظاهر که موجب شناسایی و تعقیب و دستگیری او و سایرین شود خودداری نماید. در این روایات زائر می‌آموزد که زیارت او نوعی جهاد است و اینکه چگونه باید اخلاص در نیت و حرکت و عمل داشته باشد و از هرگونه شائبه دنیوی پیراسته باشد. در این روایات نیز شرایط اجتماعی ـ سیاسی شیعه عصر حضور به خوبی روشن می‌گردد و نشان می‌دهد که زیارت امام حسین(ع) کار بسیار دشوار و سختی بوده و شیعیان بر اساس یک حرکت تشکیلاتی سازمان یافته و رعایت کلیه مسایل امنیتی به زیارت می‌رفته‌اند و نیز نشان می‌دهد که گاه وضع آنچنان سخت و شرایط آنچنان هولناک بوده که زائر از فاصلهٔ دور و شبانه زیارت می‌کرده است. در بخش دیگری از این روایات به زائر آموزش داده شده که چگونه و در چه زمانی زیارت کند. این روایات نشان می‌دهند که امامان می‌کوشیده‌اند تا هر طور شده فرهنگ و مفاهیم و پیام های عاشورا را به شیعیان منتقل کنند. در این بخش از روایات به زائر آموزش داده می‌شود که چگونه غسل کند و چگونه حرکت نماید و در صورت لزوم تاکتیک تقیه را رعایت کند و هنگام غسل و حرکت چه دعاهایی بخواند و هر چه به مشهد امام حسین نزدیک می‌شود چه آداب و اعمالی را انجام دهد.

نکته بس مهم و قابل توجه در کلیه ی این روایات این است که امامان کوشش بسیار و تأکید زیاد نموده‌اند که زیارت، عوام‌زده، تفریحی ـ تعیشی نشود. بلکه از آغاز تا انجام یک حرکت عقیدتی باشد نه یک سفر تجارتی. در این روایات بر نظافت و طهارت جسمی و روحی زائر تأکید بسیار شده و از هر گونه خودآرایی نهی گردیده است. دسته سوم روایات مرویه از امامان(ع) می‌کوشند تا عاشورا و

فرهنگ آن را در زندگی روزانه ی شیعیان تعمیم دهند. از این رو است که می‌بینیم در تمام ایام سال و به مناسبت های مختلف تأکید شده که زیارت عاشورا و زیارت امام حسین و زیارات و ادعیه ی مربوط دیگر خوانده شود و در صورت امکان مشهد امام(ع) زیارت گردد. و شگفت آنکه با توجه به استبداد خونبار خلافت و ممنوعیت مطلق شیعه ی امامیه، امامان(ع) می‌کوشیده‌اند تا شیعیان را به بزرگداشت روز عاشورا و زیارت امام حسین در آن شب و روز تشویق کنند و در این رابطه دستورالعمل هایی صادر کرده‌اند. این تعلیم و تعمیم و تأکید تا آنجاست که سر زمین کربلا حریم الهی و حول و حوش شهادتگاه امام،حائر حسینی و خاک آن بس مقدس و شفابخش معرفی می‌گردد. و از اینجاست که کام کودکان شیعه ی امامیه با تربت مقدس امام حسین(ع) برداشته می‌شده و می‌شود و این سنت سخت پُرمعنا، در زندگی و سرنوشت عقیدتی اجتماعی شیعیان بسیار تعیین کننده بوده و می‌باشد. و براستی که در آن روزگاران سیاه و سخت و در همه ی تاریخ، یاد و نام و تربت مقدس امام حسین(ع) پشتوانه ی معنوی نیرومند و شکست ناپذیر شیعه ی امامیه بوده و می‌باشد و خواهد بود. و شگفتا که شیعه با داشتن تربت امام حسین(ع) و با یاد و نام او چگونه یک تنه به قلب حوادث می‌تاخته و می‌تازد!

«السّلام علی الحسین و علی الارواح الّتی حلّت بفنائه طوال التاریخ الدّمویّ المضطرب»

زیارات

زیارات به مثابه متون عقیدتی ـ آموزشی تشیع امامیه، آکنده از آموزه‌های ناب توحیدی است به گونه‌ای که آموزگار، امام معصوم است و آموزیده شیعهٔ خالص و مخلص و آگاه مؤمن، و آموزه‌ها: توحید ناب، اخلاص در پرستش، اخلاص در معرفت، توجه و توسل مطلق به خداوند، امام‌شناسی، درک حقایق، کشف حقایق، دریافت واقعیت های تاریخی، شناخت عمیق دشمن سه چهره ی تاریخی؛ قاسطین، مارقین، ناکثین، کسب آمادگی لازم روحی، عقیدتی برای ستیز مستمر با بی‌عدالتی و جور و جهل حاکم بر زمان و تاریخ، شناخت عمیق و دقیق خیانت و جنایتی که علیه حق و حقیقت و عدالت و انسانیت صورت گرفته و می‌گیرد، ایجاد کینه و بغض تاریخی نسبت به دشمن غدار مکار، و تجدید عهد و پیمان با امام معصوم و امامت منصوص و اعلام آمادگی برای جهاد مسلحانه در رکاب امام معصوم. ایجاد حسرت شهادت و رسیدن به رستگاری جاودانه.

در زیارات مطلقه و مخصوصه ی امام حسین(ع) آموزه‌های نابی وجود دارد که بسیاری از تحریفات کلامی ـ تاریخی را محو می‌سازد و چهره ی حق و حقیقت را آشکار می‌نماید. از جمله این که در این زیارات شیعه می‌فهمد که قیام امام حسین(ع) یک قیام کاملاً عقیدتی بوده و هدف غایی و نهایی

آن نجات ، احیاء توحید و اسلام محمد(ص) از مرداب الحاد خلافت غصب و رژیم امویان و اشباه و اخلاف تاریخی آن و تضمین جاودانه و تاریخی حقیقت بوده است و نیز می‌آموزد که قیام آن حضرت، سیرت و صورت حکومتی قدرت‌طلبانه نداشته بلکه قیام ذاتاً ضدسلطه بوده و چنین می‌رساند که اصولاً تشیع امامیه تئوری قدرت نیست بلکه در تمام ذات و بنیان فلسفی ـ کلامی خود منادی آزادی و عدالت است؛ جانمایه‌ای پُرجاذبه و ایده‌آل و سخت حسرت‌آفرین، لبریز از آرمان های متعالی انسانی سرشار از آگاهی عرفانی، روح و روانی مسلط بر انسان و تاریخ که تحقق عینی جامع و مانع آرمان های خود را مشروط و منوط به تکامل عقلانی انسان در قیام قائم موعود می‌داند و پیش از آن در چهارچوب استراتژی تاریخی اصل امر به معروف و نهی از منکر، حرکتی است ستم‌ستیز و ستم‌سوز و فریاد اعتراضی است علیه جور و جهل حاکم بر زمین و زمان و حذف و محو آن. دعوت و بیعت با امام حسین(ع) به معنای ارزیابی آگاهی و آمادگی جامعه اسلامی است و گرنه امام آگاه تر از آن است که در چنان زمان و زمینه‌ای به فکر تأسیس حکومت باشد. چه در اسلام حکومت فرع است و وسیله‌ای در خدمت تعالی انسان. و آنک اسلام و انسانیت در شرف انهدام تاریخی بود و می‌رفت تا فروغ توحید در مرداب جاهلیت شرک محو شود و نجات ، احیاء و تبرئه«حقیقت» از زندان اتهام«واقعیت»به چنان شهادتی شکوهمند و تاریخی زمان شمول محتاج بود. در این زیارات، شیعه می‌فهمد که«جوابیت و طواغیت» تاریخی می‌توانند در زیر اسم و رسم اسلام پنهان شوند و نسبت به این فاجعه کاملاً آگاه و هوشیار می‌گردد و نیز در می‌یابد که بر اسلام محمد(ص)چه گذشته و می‌گذرد. فضای آموزشی زیارات بگونه‌ای است که زائر گذشته را در حال می‌بیند و این ویژگی منحصر به فرد زیارات است. یعنی تصاویر زیارات سه بُعدی هستند و گذشته در حال و آینده رخ می‌نماید. زیارت وارث به زائر می‌آموزد که اسلام امامت، رسالت تاریخی ادیان توحیدی را بر دوش دارد و به همین دلیل خاتم‌الادیان و پیامبرش خاتم‌الانبیاء است و در اینجاست که معنای امامت را می‌یابد.زائر در این زیارت رسالت همه ی پیامبران بزرگ تاریخ توحید را بر دوش امام حسین(ع) می‌یابد و چنین می‌فهمد که گویی عاشورا نقطه اوج نبرد همه ی توحید تاریخی با همه ی شرک تاریخی است.

در مجموعه ی زیارات عاشورا و امام حسین(ع) شیعه ی امامیه به روشنی هر چه تمام می‌آموزد که تحریف سیرت و سیمای انسانی تشیع که تجلی عینی اسلام محمد(ص) است به معنای کشتن مذهب و حقیقت امام حسین و دیگر امامان معصوم(ع) است، لذا با تمام وجود فریاد می‌زند: «قتل الله من قتلک بالایدی و الالسن، اللهم العن الّذین کذّبوا رسولک... و حرّفوا کتابک... و افسدوا عبادک و استذلّوهم.» [۱۳۶]

اصول مشترک کلیه زیارات عبارت است از:

۱ـ توحید ناب؛ یعنی تمام زیارات با اوراد و اذکار و شعائر توحیدی خالص آغاز و پایان می‌یابد.

۲ـ اسلام‌شناسی؛ در کلیه ی زیارات بر اصول اساسی و زیر بنایی اسلام(آگاهی، ایمان، شناخت، آزادی، آزادگی، عدالت، عدالت‌خواهی و...) تکیه و تأکید شده است.

۳ـ امام‌شناسی؛ در تمام زیارات جهان بینی متعالی، گسترده و زمان شمول امامان معصوم اسلام نمودار می‌شود و افق های بلند دید انسانی و تاریخی آن حضرات، زائر را به وجد می‌آورد و حقیقت وجودی آن بزرگواران را به درستی هر چه تمام می‌شناسد و به پیروی از آنان افتخار می‌کند.

٤ـ مشخصه‌های تاریخی باطل و ترسیم دقیق دشمن سه چهره ی تاریخی در کلیه ی زیارات آمده است.

۵ـ همه ی زیارات آموزه‌های اخلاقی ـ تربیتی، انسانی هستند که زائر را در اقیانوسی از طهارت نفسانی و خلوص فکری و ذهنی و فضای روحانی و ملکوتی قرار می‌دهند و او را آنچنان سبکبار و سبکبال می‌سازند که احساس بی‌قراری می‌کند.

ادعیه

ادعیه بخش بزرگی از فرهنگ و ادبیات عاشورا و پشتوانۀ نیرومند معنوی ـ عرفانی و مجموعه متون غنی عقیدتی تشیع امامیه است. دعاهای شیعی بازتاب های عرفانی عاشورا است که توسط امامان معصوم اسلام مخصوصاً حضرت امام علی‌بن الحسین السجاد(ع) انشاء شده است. ادعیه شیعه ی امامیه و در رأس آنها دعاهای صحیفۀ سجادیه، جانمایه‌های عرفانی جاودانه‌ای است که بلحاظ عقیدتی تشیع را در تاریخ ممتاز و شیعیان را در برابر وزش هولناک طوفان های سرخ و سیاه الحادکلامی ـ فلسفی و یأس سیاسی ـ اجتماعی مصون ساخت. شیعه با تکیه بر صحیفه هرگز شکست را نپذیرفته و نمی‌پذیرد و در بحران های حاصله از خیانت و غصب منفعل و مأیوس نمی‌شود و در سیاه‌ترین ایام و دشوارترین شرایط، به پیروزی و رستگاری امیدوار است. دعاهای صحیفه و ادعیه دیگر ائمه در روزگار سرد و سیاهی انشاء شده که شیعه بودن جرم و ممنوع بوده، در دورانی که خلافت غصب و رژیم های حاصله از آن و متحدان ترک و تاتار آن زمین و زمان را بر شیعه تنگ ساخته بودند، در چنان روزگاری حیات و بقای تشیع و شیعیان مرهون همین ادعیه است.

مجموعه دعاهای اصیل شیعی مرویه از امامان(ع)، هر کدام علاوه بر جوهره عرفانی خاص خود، مجموعه‌ای است از معارف توحیدی و اصول اعتقادی اسلام که خواننده را ضمن آموزش ، سخت

بی‌قرار می‌سازد. این بخش از ادعیه اصیل شیعه امامیه دارای عالی‌ترین مضامین خداشناسی، خودشناسی و انسان‌شناسی می‌باشد و همین اصول، روح، محور، جهت و هدف ادعیه را تشکیل می‌دهند.

می‌دانیم که اصولاً تشیع امامیه سرچشمه ی جوشان عرفان ناب توحیدی است و نیز می‌دانیم که عاشورا با نیایش آغاز می‌شود؛ از نیایش امام حسین(ع) در عرفات تا شب و روز عاشورا و تا واپسین لحظه ی شهادت و آخرین کلماتی که از لبان سرور شهیدان در تاریخ پیچیده است. از این رو، دعا چاشنی معنوی زندگی روزانه ی شیعه است و سراسر زندگی عقیدتی شیعه را فرا گرفته، شیعه از همان آغاز در تمام عرصه‌های زندگی شخصی، اجتماعی و سیاسی در نبرد با ستم و مظاهر آن با دعا و نیایش حرکت کرده است؛ دعاهای روزانه، دعاهای ویژه ی هر ماه، دعاهای ویژه ی روزهای خاص سال، و بدین سان فرهنگ عاشورا حضور نیرومند خود را در حیات معنوی شیعه اعلام می‌کند. بنابراین ادعیه ی اصیل شیعه را می‌توان به دو دسته و موضوع تقسیم کرد:

۱ـ ادعیه نیایشی خاص. ۲ـ ادعیه نیایشی عام.(نک: بخش تعالیم ادبیات عاشورا)

حضور گسترده ی دعا و نیایش در فرهنگ و ادبیات عالی شیعه ی امامیه در واقع چیزی جز تفسیر و تبیین و آموزش بخش دعا و نیایش قرآن نیست چرا که قرآن از سویی خود ،کتاب نیایش است و آیات بسیاری دعوت به دعا و ذکر خداوند دارند.

از جوهره و جهت دعاها در بخش تعالیم ادبیات عاشورا باید سخن گفت. در اینجا به همین بسنده می‌شود که جوهره، روح، جهت و هدف دعاهای اصیل شیعی آموزش، تزریق و تعمیم توحید در بستره وجود و تصفیه ی آن از شرک ذهنی و آماده سازی عقیدتی، روحی، روانی، شخصیتی ـ تربیتی فرد در جهت مبارزه با شرک عینی است.

در میان مجموعه ادعیه ی شیعی، متونی وجود دارد که از یک سو مبین سرنوشت و سرگذشت شگفت شیعه ی امامیه در دوره ی حضور و دیگر ادوار سخت و سیاه تاریخ است و از دیگر سو نشان‌دهنده ی قدرت ایمان و توکل مطلق امامان(ع) و شیعیان به خداوند متعال می‌باشد. در کتب دعای شیعه متونی با عنوان «تَعویذات و اَحراز» ثبت شده است. تعویذات و احراز به مثابه کمربندهای ایمنی معنوی و سنگرها و دژهای ناگشودنی بوده که پیشوایان معصوم و پیروانشان در همه ی شرایط محاصره ، تعقیب و گریز و برخورد با دشمن بکار می‌برده‌اند. این متون دارای مضامین عالیه ی توحید ناب است و در آنها جانمایه‌های متعالی توحید و توکل به خداوند آمده است؛ نمونه:

«اللهم بک استعین و بک استغیث و علیک اتوکّل و انت ربّ العرش العظیم، اللهمّ صلّ علی محمد و آل محمد، و خلّصنی من کلّ مصیبةٍ نَزلتْ فی هذا الیوم و فی هذه اللیلة و فی جمیع الیالی و الایام... اللهمّ بک استفتح و بک استنجِح و بمحمد(ص) الیک اتوجه و بکتابک اَتوسّل اَن تلطفَ لی بِلطفک الخفّی انّک علی کل شئ قدیر...»[۱۳۷]

۴ـ ادبیات عاشورا؛ امام حسین(ع) از ولادت تا شهادت

اشاره

در ادبیات تاریخی اسلام ترسیم موضوع بگونه‌ای است که تبیین و تحلیل آن، سرنوشت و سرگذشت و فلسفه‌ای شگفت و پیچیده را تداعی می‌کند. و همین پیچیدگی رمز آلود باعث بدفهمی بسیار و حتی تحریف تاریخی آن گردیده است. این پیچیدگی و راز و رمز در زبان و گزارش موضوع نیست، چرا که زبان گزارش کاملاً رئالیستی و مبتنی بر واقعیت است. این پیچیدگی در فهم پیام و دریافت کلامی و تلقی تاریخی موضوع است.

در ادبیات تاریخی اسلام شیعه و سنی سخن از یک پیشگویی و پیش‌بینی شگفت است که پیامبر اسلام(ص) در پگاه ولادت امام حسین(ع) خبر از شهادت حتمی و قطعی او می‌دهد. [۱۳۸] می‌دانیم که ادبیات تاریخی اسلام مبین و مفسر متون عقیدتی اسلام است. کلید فهم این موضوع در پیشینه ی توحیدی ـ تاریخی آن و در ادبیات عاشورا (زیارات امام حسین(ع) زیارت عاشورا و زیارت وارث) نهفته است: ابراهیم(ع) بنیان گذار توحید نخستین است؛ توحیدی که اسلام مفسر، مبیّن و مکمل نهایی و تاریخی آن است. در آغاز تاریخ توحید اسماعیل(ع) داوطلب شهادت است و در انجام تاریخ توحید امام حسین(ع) به شهادت می‌رسد.

این صدر و ذیل تاریخی کاملاً بدیهی و قابل فهم است؛ در آنجا فرمان سمبلیک ذبح اسماعیل مفاهیم، معانی و آموزه‌های زیربنایی خاص خود را دارد، در آنجا اسماعیل مظهر علایق و عواطف انسانی ابراهیم است و تضادی است ناسازگار میان خدا و خود، که باید ابراهیم یکی را انتخاب کند، و این آموزه ، اخلاصِ در پرستش و در رابطه با خدا از خود گذشتن است. یعنی ستیز تاریخی توحید با شرک ذهنی و ابراهیم اسوه و آموزگار نبرد با شرک ذهنی و عینی است. و در اینجا همان آزمون در سطح تاریخی و جهانی با افق های بسیار گسترده و نتایج تام و تمام دیگر عینیت می‌یابد. به این صورت که در یک ترسیم هندسی دقیق؛ حرکت تاریخی و سیر صعودی توحید و نقطه اوج آن از یک سو، و حرکت مدار بسته ی تاریخی شرک و تورم تام و گرانیگاه آن از دیگر سو، یک نقطه تلاقی تاریخی دارند و آن دهم محرم سال ٦١ هجری است. یعنی پیشینه ی تاریخی «اَحقادِ بدر و تُراث

اُحُد» در این مقطع تاریخی به تورم نهایی خود رسیده و می‌خواهد بر توحید غلبه کند، لذا این مقطع تاریخی فصل تعیین سرنوشت است؛ فصل سرنوشت حق و باطل، توحید و شرک، اسلام و کفر، و امام حسین‌بن علی(ع) وارث همه ی پیامبران بزرگ تاریخ توحید از آدم تا ابراهیم و از ابراهیم تا محمد(ص)، باید به شرک و کفر تاریخی پایان دهد.(نک: زیارت وارث)

چنین رسالتی تاریخی مستلزم شهادتی تاریخی و آنچنان حساب شده و مظلومانه به معنای کلامی، فلسفی، انسانی کلمه است. شهادتی که به صورت یک قانونمندی حاکم بر زمان، تاریخ و حیات انسان همچون بهاری در پی هر خزان سرد و سیاه فرارسد و شکوفه‌های آگاهی و ایمان و امید و انسانیت بروید و حیات طیبه انسانی را تضمین تاریخی نماید. این است که امام حسین(ع) در تاریخ اسلام و انسان یک اسوه، اصل و استثنا است. بنابراین سخن گفتن از شهادتِ او در پگاه ولادتش کاملاً قابل هضم ،فهم ، تحلیل و تبیین است؛ باید همه بدانند که موضوع چیستَ و می‌بینیم که پیامبر اسلام می‌کوشد تا همه را از این موضوع باخبر سازد و می‌سازد و می‌بینیم که در خانه ی ام‌سلمه، عایشه، زینب، فاطمه و در حضور اصحاب و مسلمانان در سالگرد ولادت حسین، جشن شهادت او را می‌گیرد و همه را از حادثه و چگونگی و مکان آن آگاه می‌سازد. این موضوع در دوره ی حیات پیامبر اسلام آنچنان شایع بوده که بخش بزرگی از ادبیات تاریخی اسلام را بخود اختصاص داده و منابع سنیان بیش از منابع شیعیان به این موضوع پرداخته‌اند.

بنابراین شهادت امام حسین(ع) با چنین صدر و ذیلی، تراژدی و ملودرام نیست، یک فلسفه است، فلسفه ی تاریخ توحید. خاصیت شهادت، آشکار کردن حق و حقیقت و حقایق انکار شده و تحریف گشته است: «الشهادات استظهاراً للمجاحدات»[139] و دوست و دشمن معترف است که چگونه آن شهادت شکوهمند تاریخی حقایق انکار شده را آشکار کرد و نقاب از چهره ی باطل فروافکند و رسوایش ساخت و توحید را در سیر تاریخی و انسانی آن تضمینی جاودانه نمود و آرمانهای توحیدی را که خداپرستی، آگاهی، ایمان، آزادی، عدالت و انسانیت هست، زنده ساخت و حقیقت آنها را بیمه نمود.

کرونولوژی حوادث مهم و تعیین کننده (۱۰ تا ۶۱ هجری)

۱۸ ذوالحجه سال دهم هجری:

غدیر خم؛ در بازگشت از حجةالوداع، دخالت مستقیم وحی و ابلاغ امامت علی بن ابی‌طالب، توسط پیامبر اسلام و بیعت مسلمانان و اصحاب با امام علی، توطئه ترور نافرجام پیامبر در راه بازگشت به مدینه.[140]

محرم سال یازده هجری:

مدینه، حومهٔ شهر و گفتگوی پیامبر اسلام و امام علی بن ابی‌طالب؛ پیش بینی حوادث و توطئه‌ها و سرنوشت نهضت اسلام، خبر از کودتا، غلبه و غضب، اشاره به جوهره و ریشه‌ها: احقاد بدر و تراث احد. [۱۴۱]

صفر سال یازده تا جمادی الاول سیزده هجری:

صبح دوشنبه ۲۸ صفر سال ۱۱ هجری: شهادت پیامبر اسلام و آغاز بحران در مدینه. ظهر همان روز؛ پیروزی کودتای سیاسی نخبگان عرب در سقیفه بنی‌ساعده در میدان مرکزی مدینه. تلاش امام علی پس از کفن و دفن پیامبر اسلام، در جهت براندازی کودتا و نیافتن یار و یاوری برای این مهم. [۱۴۲] ایجاد خفقان شدید و رعب و وحشت و ترور. [۱۴۳] آغاز خانه‌نشینی و سکوت سرخ امام علی و تدوین و تألیف قرآن کریم. [۱۴۴] طرح ترور نافرجام امام علی و اجرای آن توسط خالدبن ولید و افشای آن توسط ام‌سلمه و اعتراف خالد. [۱۴۵] ترور سعد بن عباده در راه شام.[۱۴۶] حملهٔ قهرآمیز و مسلحانه به کانون توحید (خانه علی و فاطمه) و به آتش کشیدن آن و مضروب ساختن فاطمه و به بند کشیدن امام علی و کشاندن وی به مسجد و تهدید جدی به قتل و گرفتن بیعت به زور. [۱۴۷] سخنرانی امام علی و اصحاب در مسجد مدینه و افشای سند سری طرح توطئه کودتا که در حجةالوداع در مکه و کنار کعبه امضاء شده بود. [۱۴۸] احیاء و اعاده ی روح جاهلیت و بازگشت نظام قبایلی و شکل‌گیری پان‌عربیسم بدوی به جاهلی. آثار و عوارض کودتا:

ارتداد سیاسی؛ برسمیت نشناختن کودتا و کودتاچیان از سوی مسلمانان، ارتداد کلامی: بازگشت برخی از اسلام. یأس فلسفی و اعتزال سیاسی: کناره‌گیری بسیاری از اصحاب از مسائل اجتماعی ـ سیاسی. [۱۴۹] بایکوت مطلق اقتصادی ـ اجتماعی امام علی و آل او و تصرف فدک. [۱۵۰] شهادت دردناک حضرت فاطمه (علیهاالسلام). [۱۵۱] آغاز کشور گشائی برای انحراف اذهان از اوضاع داخلی و رسیدن به اهداف پان‌عربیستی و مطامع اقتصادی. [۱۵۲]

۱۳ تا ۲۳ هجری:

سرکوب و قلع و قمع مخالفان سیاسی، ادامه قتل عام کسانی که کودتا را برسمیت نشناختند[۱۵۳]، گسترش هرچه بیشتر کشورگشائی[۱۵۴]، فعالیت سری و گاه علنی حزب امویان به رهبری ابوسفیان، تقویت پان‌عربیسم، تدوین فکر و فرهنگ کودتا، وارونه سازی اسلام، تحریف حقایق[۱۵۵]

بخشنامه‌های سری ضد شیعه، شناسائی، دستگیری و کشتار پیروان امام علی در بلاد، بایکوت اصحاب وفادار به امام علی. [۱۵۶]

۲٤ تا ۳۵ هجری:

اقتدار کامل حزب امویان، زمینه‌سازی در جهت انتقال و تمرکز قدرت در خاندان اموی،[۱۵۷] مالکیت های بزرگ، شدت تحریف هر چه بیشتر اسلام، رنج و شکنجه و تبعید و شهادت اصحاب وفادار به امام علی بن ابی‌طالب تنها نماینده و سخنگوی اسلام محمد(ص)، [۱۵۸] انقلاب اجتماعی مردم.

۳۵ تا ٤۰ هجری:

ظهور ناکثین (حزب طلحة و زبیر به رهبری عایشه)، [۱۵۹] غارت و تهاجم نظام علنی و رسمی قاسطین (حزب امویان)، [۱٦۰] ظهور مارقین و حوادث حرروا نهروان،[۱٦۱] شهادت امام علی بن ابی‌طالب(ع)، شهادت عمار یاسر.

٤۰ تا ٦۱ هجری:

ادامه و گسترش و شدت تبهکاری های قاسطین،[۱٦۲] صلح شرافتمندانه امام حسن بن علی(ع)، پیمان‌شکنی آشکار معاویه و کودتای سلطنتی او،[۱٦۳] بخشنامه‌های سراسری معاویه مبنی بر قتل عام پیروان امام علی،[۱٦٤] تعقیب و دستگیری و شکنجه و اعدام شیعیان در سراسر قلمرو خلافت،[۱٦۵] اقتدار کامل پان‌عربیسم افسار گسیخته جاهلی،[۱٦٦] بخشنامه معاویه مبنی بر سب و لعن آشکار علی و آل بر فراز منابر و خطبه‌ها و...[۱٦۷] شهادت امام حسن بن علی(ع)،[۱٦۸] شهادت حجربن عدی و یارانش، شهادت عمروبن حمق، شهادت رشید هجری، شهادت جویریة بن مسهر، [۱٦۹]و...

***

پانوشت ها :

- ۱- ابن منظورا / ۲۰٦- ۲۰۷.
- ۲- معین ۱ / ۱۷۸- ۱۷۹.
- ۳- وبستر (چاپ ۱۹۷٦ نیویورک) ۷۰، ۸۱.
- ٤- سبک شناسی ۱ / ۲۸۰.
- ۵- المیسره ۱۱۷۳.
- ٦- نجاشی۱٦۷- ۱۷۱

- ۷- نجاشی ۱۰۱ +الذریعه ۱۲ / ۸۱.
- ۸- نجاشی ۱۵۱ + الذریقه ۲۰ / ۳۱۸.
- ۹- نجاشی ۱۶۰-۱۶۱.
- ۱۰- نجاشی ۱۷۸+الذریعه ۲۰ / ۳۲٤.
- ۱۱- الفهرست ۵۸+ معالم العلماء ٤۰.
- ۱۲- نجاشی۱۸۱+ معالم العلماء ۱٤۲+ الذریعه ۲۰ / ۳۱۳.
- ۱۳- نجاشی ۱۷۷+ الذریعه۲۰ / ۳۲۹.
- ۱٤- نجاشی ۱۲٦.
- ۱۵- نجاشی ۲۸۲+ الذریعه۲۰ / ۳۲۱/
- ۱٦- نجاشی ۲۵۱+ الذریعه۱۲ / ۷۸+۲۰ / ۳۲٤.
- ۱۷- نجاشی ۲٤٦+ الذریعه ۲۰ / ۳۲۲.
- ۱۸- نجاشی ۲۳۲+ الذریعه ۲۰ / ۳۲۲.
- ۱۹- نجاشی ۲٤۱.
- ۲۰- نجاشی۵۰+ الذریعه ۱۲ / ۷۸.
- ۲۱- الذریعه ۲۰ / ۳۱۸/
- ۲۲- نجاشی۹۰+ الذریعه۱۲ / ۷۷+ ۲۰ / ۳۱۷+ امل الامل ۲ / ۱۷۲/
- ۲۳- نجاشی۲۷۲+ الفهرست ۱۳٦+ معالم العلماء ۹۹+ امل الامل ۲ / ۲٤۰+الذریعه۱۲ / ۸۰/
- ۲٤- نجاشی ۲۷۲+ الذریعه ۱۲ / ۷۸/
- ۲۵- نجاشی ۲۷۷+ الذریعه ۱۲ / ۷۸+ ۲۰ / ۳۲۲. + من لایحضره الفقیه ۲ / ۳٦۱-۳٦۹.
- -۲٦ نجاشی/ ۲۸۱
- ۲۷- نجاشی ۲۸۵+ الذریعه ۲۰ / ۳۲۸+ المقنعه ۷۱-۷۵ (چاپ سنگی).
- ۲۸- نجاشی ۲۵۰+ الفهرست ۱۳۷+ ابن الندیم ۲۷۵+ معالم العلماء ۹۹+الذریعه۲۰ / ۳۲۰/
- ۲۹- معالم العلماء ۱۱۹+ امل الامل ۲ / ۲۸۷/
- ۳۰- نجاشی ۱۱۰+ الذریعه ۱۲ / ۷۷/
- ۳۱- نجاشی ۲۱۷+ الذریعه ۱۲ / ۷۹/
- ۳۲- نجاشی ۱۵۱+ الذریعه۲۰ / ۳۱۷/
- ۳۳- الذریعه ۲۰ / ۳۱۷/
- ۳٤- نجاشی ۱٦۱+ الذریعه ۲۰ / ۳۲۱/
- ۳۵- نجاشی ۲۵۱+ الذریعه ۲۰ / ۳۲۲+ تهذیب الاحکام ٦ /کتاب المزار ۱۱۹ – ۱/
- ۳٦- الذریعه ۲۰ / ۳۲۲/
- ۳۷- الذریعه ۲۰ / ۳۲٤/
- ۳۸- با همین عنوان مجموعه هایی با قید: الصحیفة السجادیة الثانیة و الثالثة و الرابعة و الخامسة و السادسة به ترتیب از سوی حُرّعاملی، میرزا عبدالله افندی، میرزا حسین نوری، محسن عاملی و فضل الله مازندرانی گرد آوری شده است. برخی از این مجموعه ها اخیراً در قم چاپ شده است. نک: الذریعه ۱۵ / ۱۸
- ۳۹- نجاشی ۲۹۲-۲۹۳+ الذریعه ۸ / ۱۸۵/
- ٤۰- نجاشی ۱٦۹- ۱۷۱+ الذریعه ۸ / ۱۸۱/
- ٤۱- الذریعه ۸ / ۱۸٦+ امل الامل ۲ / ۳۳٤/
- ٤۲- معالم العلماء/ ۱۳۱

- ٤٣- نجاشي ١٧٨+ الذريعه ٨ / ١٨١/
- ٤٤- نجاشي١١٢+ الذريعه ٨ / ١٨١/
- ٤٥- نجاشي ٢٤١/
- ٤٦- نجاشي ٢٥١ + الذريعه ٨ / ١٨١/
- ٤٧- نجاشي ٢٦٥/
- ٤٨- نجاشي ٢٨٢+ الذريعه ٨ / ١٨٥/
- ٤٩- الذريعه ٨ / ١٨٥+ النجاشي ٣٠٧/
- ٥٠- الذريعه ٨ / ١٨١.
- ٥١- الذريعه ٨ / ١٨١.
- ٥٢- الذريعه ٨ / ١٨٦.
- ٥٣- الذريعه ٨ / ١٨٦.
- ٥٤- معالم العلماء ١٣٧+ الذريعه ٨ / ٢٠٠.
- ٥٥- معالم العلماء ١٤٤.
- ٥٦- نجاشي ٩٦+ الذريعه ٨ / ١٨١+ امل الامل ٢ / ٢٥٠
- ٥٧- نجاشي ١٢٦+ الذريعه ٨ / ١٨١.
- ٥٨- نجاشي ٢٤٧-٢٥٠+ الذريعه ٨ / ١٨٥.
- ٥٩- نجاشي ٢٨١- ٢٨٢.
- ٦٠- نجاشي ١٨١+ الفهرست ٨٢+ الذريعه ٨ / ١٨١.
- ٦١- نجاشي ٨٢ + الذريعه ٨ / ١٨١/
- ٦٢- نجاشي ٨٣ + الذريعه ٨ / ١٨١
- ٦٣- الذريعه ٨ / ١٨٥/
- ٦٤- الذريعه ٨ / ١٨٥/
- ٦٥- الذريعه ٨ / ١٨٥/
- ٦٦- الذريعه ٨ / ١٨٥/
- ٦٧- الذريعه ١ / ٣٩٦/
- ٦٨. الفهرست ٣٨ + الذريعه ٢٢ / ٢٣.
- ٦٩. الذريعه ٢٢ / ٢٣.
- ٧٠. الفهرست ٧٩ + نجاشي ١٣٣ + معالم العلماء ٥٧ + الذريعه ٢٢ / ٢٤.
- ٧١. نجاشي ١٧١ + الذريعه ٢٢ / ٢٤.
- ٧٢. نجاشي ٣٠٢.
- ٧٣. نجاشي ٢٦٣.
- ٧٤. نجاشي ٢١٤.
- ٧٥. الفهرست ١٢٩ + نجاشي ٢٤٥ + معالم ٩٤ + الذريعه ٢٢ / ٢١، ٢٠، ٢٤، ٢٦، ٢١ / ٢٨٩.
- ٧٦. الفهرست ٧ + نجاشي ١٤ + معالم ٧ + الذريعه ٢٢ / ٢٣.
- ٧٧. نجاشي ٢٧٣.
- ٧٨. الفهرست ١٧١ + نجاشي ٣٠٢ + معالم العلماء ١٢٦ + الذريعه ٢٢ / ٢٦.
- ٧٩. نجاشي ٢٤٤.
- ٨٠. الفهرست ٥ + نجاشي ١٣ + معالم ٣ + الذريعه ٢٢ / ٢٢.

- ۸۱. نجاشی ۱۸۲ + الذریعه ۲۲ / ۲۲.
- ۸۲. النجاشی ۱۸۹ + الذریعه ۲۲ / ۲٤.
- ۸۳. نجاشی ۲٤٥.
- ۸٤. نجاشی ۲٤٦ + الذریعه ۲۲ / ۲٤.
- ۸٥. معالم ۱۱۲ + الذریعه ۲۲ / ۲٤.
- ۸٦. الفهرست ۱٦۱ + معالم ۱۸٥ + الذریعه ۲۲ / ۲٤.
- ۸۷. نجاشی ۳۱۸ + الذریعه ۲۲ / ۲۱ + ۲۱ / ۳۷٤.
- ۸۸. نجاشی ۲۱۸ + الذریعه ۲۲ / ۲٥.
- ۸۹. خوارزمی (م ٥٦۸ هـ) / مقتل الحسین ۲ / ۱۲٥ ـ ۱۲٦. ابن شهر آشوب از خوارزمی گرفته و مجلسی نیز بدون ذکر مآخذ ولی با ذکر اسانید آن آورده است. نک: مناقب ٤ / ۱۱۷: معدان. بحار ٤٥ / ۲۷۳: عفران.
- ۹۰. خوارزمی ۲ / ۱٥۲.
- ۹۱. خوارزمی ۲ / ۱۳۰ + معالم العلماء ۱٥۰.
- ۹۲. بحار ٤٥ / ۲۸٥، ۲۸۷ ـ ۲۸۸.
- ۹۳. خوارزمی ۲ / ۱٥۱ ـ ۱٥۲ + ادب الطف ۱ / ٦۰.
- ۹٤. خوارزمی ۲ / ۱٥۳ + الشعر والشعراء ٥۰۳.
- ۹٥. الشعر والشعراء ٤۷۱.
- ۹٦. خوارزمی ۲ / ۱٤۹، ۱٥۲ + مناقب ٤ / ۱۱۷ + بحار ٤٥ / ۲٤٤، ۲٤٥، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۳ + ادب الطف ۱ / ٤۸ ـ ٥۰.
- ۹۷. خوارزمی ۲ / ۱٤٤ ـ ۱٤٥ + مناقب ٤ / ۱۱۸ + بحار ٤٥ / ۲۸٦ ـ ۲۸۷. + ادب الطف ۱ / ۱۹۲.
- ۹۸. خوارزمی ۲ / ۱٤۷ ـ ۱٤۹ + ادب الطف ۱ / ۲۰۸ـ ۲۰۹ + الشعر والشعراء ۸٥۹ ش ۲۰۰.
- ۹۹. خوارزمی ۲ / ۱٥۲ + مناقب ٤ / ۱۱٦ + ادب الطف ۱ / ۱۸۱. + معالم العلماء ۱٥۰ + الشعر و الشعراء ٥۸۱.
- ۱۰۰. نجاشی ۱۰۲.
- ۱۰۱. الذریعه ۲۰ / ۲۹۳ + بحار ٤٥ / ۲٦۱ ـ ۲٦٦.
- ۱۰۲. الذریعه ۲۰ / ۲۹۳ + ادب الطف ۱ / ۲۹۸.
- ۱۰۳. مناقب ٤ / ۸٦، ۱۱٤ + ادب الطف ۱ / ۱۹۸. و نیز فهرست شعرای اهل بیت قرن اول و دوم. نک: معالم العلماء ۱٤۷ ـ ۱٥۱ + ادب الطف ۱ / تمام کتاب: ۳۳۸ ـ ٥۲.
- ۱۰٤. خوارزمی ۲ / ۱۳۷ ـ ۱۳۹/.
- ۱۰٥. خوارزمی ۲ / ۱۲۰ ـ ۱۳۳، ۱٤٤ + مناقب ٤ / ۱۱٦، ۱۲٦، ۱۲۷ + بحار ٤٥ / ۲٤۳، ۲۷٥ ـ ۲۷۷، ۲۸۸ + معالم العلماء ۱٥۰.
- ۱۰٦. خوارزمی ۲ / ۱٥۳ + مناقب ٤ / ۸۳، ۱۱۷ + بحار ٤٥ / ۲٤٤ + مناقب ٤ / ٤۹.
- ۱۰۷. خوارزمی ۲ / ۱٥۳ + مناقب ٤ / ۱۱٦ + بحار ٤٥ / ۲٤۳.
- ۱۰۸. خوارزمی ۲ / ۱٤٥ ـ ۱٤۷.
- ۱۰۹. مناقب ۲ / ۱٥۳ ـ ۱٥٤، ٤ / ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹ + بحار ٤٥ / ۲٤٤ + مناقب ٤ / ٥۳.
- ۱۱۰. خوارزمی ۲ / ۱۳٤ ـ ۱۳۷ + مناقب ٤ / ۱۱۸ + بحار ٤٥ / ۲۷۸ ـ ۲۷۹ + مناقب ٤ / ٦۰.
- ۱۱۱. خوارزمی ۲ / ۱۳۹ ـ ۱٤۱، ۱٥۰ ـ ۱٥۱، ۱٥٦ + مناقب ٤ / ۸۳، ۱۱٤ ـ ۱۱٥.
- ۱۱۲. مناقب ۳ / ۱٥٥ ـ ۱٥٦، ٤ / ۲۸ + بحار ٤٥ / ۲٤٦.
- ۱۱۳. بحار ٤٥ / ۲۸۱.

- ۱۱٤. خوارزمی ۲ / ۱٤۲ ـ ۱٤۳ + مناقب ٤ / ۷۸ ـ ۷۹، ۹۰.
- ۱۱٥. خوارزمی ۲ / ۱۲٦ ـ ۱۲۸ + مناقب ٤ / ۱۲۱ + بحار ٤٥ / ۲۷٤.
- ۱۱٦. مناقب ٤ / ۸۲، ۸٤ ـ ۸۷، ۱۲۱ + بحار ٤٥ / ۲٤۹.
- ۱۱۷. خوارزمی ۲ / ۱۳٤ ـ ۱۳٥ + مناقب ٤ / ۱۱۲، ۱۲۲ ـ ۱۲۳ + بحار ٤٥ / ۲٤۹، ۲۷۷ + دیوان رضی.
- ۱۱۸. خوارزمی ۲ / ۱٥۷ ـ ۱٥۸ + مناقب ٤ / ٥٥ + بحار ٤٥ / ۲۸۸.
- ۱۱۹. دیوان دیک الجن + ادب الطف ۱ / ۲۸۳ ـ ۲۸۹.
- ۱۲۰. الاصفهانی / مقاتل الطالبیین (چاپ نجف ۱۳۱۸ هـ).
- ۱۲۱. مؤلفات الزیدیه ۱ / ٤٦۸.
- ۱۲۲. مؤلفات ۱ / ۹۰.
- ۱۲۳. مؤلفات ۲ / ۸٤.
- ۱۲٤. الذریعه ۸ / ۱۸٥.
- ۱۲٥. الهفت الشریف (چاپ بیروت ۱۹٦٤ م). ۱۲۱ ـ ۱۲٦.
- ۱۲٦. خوارزمی ۲ / ۱۲٦، ۱۲۸، ۱۲۹ + مناقب ٤ / ۱۲٤ ـ ۱۲٥ + بحار ٤٥ / ۲٥۳، ۲۷۳ ـ ۲۷٤ + ادب الطف ۱ / ۲۱٤.
- ۱۲۷. الذریعه ۲۲ / ۲٥.
- ۱۲۸. الذریعه ۲۲ / ۲۱، ۲۲.
- ۱۲۹. الذریعه ۲۲ / ۲٥ + ۲۱ / ۲۸۹.
- ۱۳۰. الذریعه ۲۲ / ۲٥.
- ۱۳۱. الخوارزمی / مقتل الحسین (چاپ مکتبة المفید، قم. سال؟).
- ۱۳۲. قرآن ۲٤ / ۳۲.
- ۱۳۳. قرآن ۳۳ / ۳۳: «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت...»
- ۱۳٤. نک: زیارت جامعه ی کبیره.
- ۱۳٥. بحار ۱۰۱ / ٥۸ ح ۲٦.
- ۱۳٦. کامل الزیارات ۲۱٦.
- ۱۳۷. نک: بحار ۹٤ / ۳۳۷؛ مهج الدعوات ۲۹ - ۳٤.
- ۱۳۸. منابع شیعی: کامل الزیارات ٥٥ ـ ٦٦ + بحار ٤٤ / ۲۱۸ ـ ۲٥۰. منابع سنیان: نک: الامینی / سیرتنا و سنتنا (تمام کتاب) منابع سنیان: احمدبن حنبل / المسند ۳ / ۲٤۲ + ابو نعیم / الدلائل ۳ / ۲۰۲ + ابن سعد / الطبقات ٥ / ۱۱٥ + خوارزمی / مقتل ۱ / ۱٥۹. و...
- ۱۳۹. در اینجا شهادات به معنای عام است و نه تنها گواهی شفاهی و کتبی. نک: نهج البلاغه ۱۰۸۱.
- ۱٤۰. الامینی/ الغدیر ۱ / ۱۰۲ به بعد.
- ۱٤۱. سلیم ۷۲ ـ ۷۳.
- ۱٤۲. سلیم ٦۹، ۷٤ + ابن هشام ٤ / ۳۰٦، ۳۱۰ ـ ۳۱۱ + ابن سعد / طبقات ۲ / ۲۷۲ ـ ۲۸۱ + الغدیر ۷ / ۷۷ ـ ۲۸ + طبری ۲ / ۳ / ۱۸۸ ـ ۲۰٦ + ابن اثیر ۲ / ۳۲٥ ـ ۳۲٦.
- ۱٤۳. الغدیر ۷ / ۷۷ ـ ۷۸.
- ۱٤٤. سلیم ۸۱ ـ ۸۳.
- ۱٤٥. سلیم ۱۳۷ ـ ۱۳۸.
- ۱٤٦. مسعودی / مروج ۲ / ۳۰۱ + النوبختی / الفرق ۸، ۹.
- ۱٤۷. سلیم ۸۳ ـ ۸٤ + الغدیر ۷ / ۷٦ ـ ۷۸.

- ۱۴۸. سلیم ۸۶، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۷ ـ ۱۶۵.
- ۱۴۹. سلیم ۹۲، ۱۰۸ ـ ۱۱۰ + ابن هشام ۴ / ۳۰۶ ـ ۳۱۱ + ابن سعد ۲ / ۲۸۲ + طبری ۲ / ۳ / ۱۹۹ ـ ۲۰۶ + یعقوبی ۱ / ۱ / ۸۲ ـ ۸۵ + نوبختی۷ - ۹.
- ۱۵۰. الصدر / فدک فی التاریخ ۲۵ ـ ۳۳.
- ۱۵۱. سلیم ۸۳، ۸۴.
- ۱۵۲. التنبیه ۲۵۰ + بلاذری / فتوح ۱۴ ـ ۲۰ + طبری ۲ / ۳ / ۲۰۸ + ابن اثیر ۲ / ۳۸۴.
- ۱۵۳. ابن اثیر ۲ / ۳۴۲ ـ ۳۷۸ + طبری ۲ / ۲۱۶ ـ ۲۶۳.
- ۱۵۴. بلاذری / همان.
- ۱۵۵. سلیم ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۳۲ ـ ۱۷۵ + الغدیر ۱۰ / ۲۵۵ ـ ۲۷۲.
- ۱۵۶. سلیم ۱۳۹، ۱۷۶ ـ ۱۷۷، ۱۷۸.
- ۱۵۷. الغدیر ۱۰ / ۸۶ ـ ۲۳۶.
- ۱۵۸. سلیم ۱۰۸ ـ ۱۰۹ ـ ۱۱۰.
- ۱۵۹. سلیم ۱۰۹، ۱۳۰ + طبری ۳ / ۵ / ۱۶۳ ـ ۲۲۶ + یعقوبی ۱ / ۱ / ۱۲۵ ـ ۱۵۶ + ابن اثیر ۳ / ۲۰۱.
- ۱۶۰. سلیم ۱۰۹، ۱۳۰ + طبری ۳ / ۵ / ۲۳۶ ـ ۲۴۲ + یعقوبی ۱ / ۱ / ۱۳۵ + ابن اثیر ۳ / ۲۷۶.
- ۱۶۱. سلیم ۱۰۹، ۱۳۰ + طبری ۳ / ۶ / ۳۷ ـ ۴۰ + یعقوبی ۱ / ۱ / ۱۴۵ + ابن اثیر ۳ / ۳۷۵ ـ ۳۲۶.
- ۱۶۲. سلیم ۱۰۸ + طبری ۳ / ۶ / ۸۰.
- ۱۶۳. الغدیر ۱۰ / ۱۱۸ ـ ۲۳۶ + طبری ۳ / ۵ / ۴۰۲ ـ ۴۰۴ + التنبیه ۲۶۰ + ابن اثیر ۳ / ۴۰۴.
- ۱۶۴. سلیم ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۷۲ ـ ۱۷۵ + ابن ابی الحدید ۳ / ۱۵ ـ ۱۷.
- ۱۶۵. سلیم ۱۰۸ ـ ۱۱۰، ۱۳۸ ـ ۱۷۵ + ابن ابی الحدید ۳ / ۱۶ ـ ۱۷.
- ۱۶۶. سلیم ۱۳۸ ـ ۱۴۰ + الغدیر ۸ / ۲۴۱ ـ ۲۵۷.
- ۱۶۷. سلیم ۱۰۸ ـ ۱۱۰ + الغدیر ۱۰ / ۲۵۷ ـ ۲۷۲ + ابن ابی الحدید ۳ / ۱۵ ـ ۱۸.
- ۱۶۸. التنبیه ۲۶۰ + سلیم ۱۰۹ + طبری ۳ / ۶ / ۹۵ ـ ۱۰۰ + ابن اثیر ۳ / ۴۵۸.
- ۱۶۹. الغدیر ۱۱ / ۳۲ ـ ۳۶، ۳۷ ـ ۷۰ + طبری ۳ / ۶ / ۱۴۱-۱۵۶ + ابن اثیر ۳ / ۴۷۲ ـ ۵۰۳.

***

International Congress Of Culture & Literature Of Ashura.Tehran.summer.1374/1995

* * *



Literature of Ashura during the age of Shiite Imams

(p.b.u.h)

By:

Dr.M.R.Eftekharzadeh

Iranian writer,researcher & translator

***

www.iranologi.blogfa.com

www.fehresteasar.blogfa.com

IRANOLOGY11@GMAIL.COM